

کریستوا در قابی دیگر

استل برت

ترجمه‌ی مهرداد پارسا



فهرست

۶	فهرست تصاویر
۷	سپاسگزاری
۹	مقدمه
۱۷	فصل اول: زبان به‌مثابه‌ی فرآیندی مادی
۴۵	فصل دوم: تفسیر به‌مثابه‌ی کردار
۷۷	فصل سوم: هنر و تأثیر
۱۱۳	فصل چهارم: آلوده‌انگاری، هنر و مخاطب
۱۴۱	فصل پنجم: پژوهش به‌مثابه‌ی کردار: یک پارادایم اجرایی
۱۷۱	مؤخره
۱۷۳	یادداشت‌ها
۱۷۵	منابع
۱۸۱	واژه‌نامه
۱۸۹	نمایه‌ی نام‌ها

فصل اول

زبان به مثابه‌ی فرآیندی مادی

شرح کریستوا از رابطه‌ی میان زبان و جسم، برای فهم زبان به مثابه‌ی یک فرآیند مادی و هنر به مثابه‌ی کردار انقلابی ضروری و واجب است. خواهیم دید که اندیشه‌های او که ابتدا از دل تحلیل کردار ادبی برخاسته‌اند، در مورد زبان بصری نیز به کار می‌آیند. این دو ابزار ارتباطی گرچه در نهایت به هم تقلیل نمی‌یابند، دست‌کم تاحدی از طریق رمزگان‌ها و قواعدی که مقبولیت اجتماعی دارند عمل می‌کنند. این فصل بر نظریه‌ی زبان کریستوا و بر تبیین او از هنر به مثابه‌ی کردار انقلابی تمرکز می‌کند که مستلزم تخطی از قواعد و رمزگان‌های زبان و ممنوعیت‌های آن قواعد است.

نمی‌توان زبان را از سوژه‌ی سخنگو^۱ و/یا سوژه‌ای که زبان را می‌فهمد و فرامی‌گیرد متمایز ساخت. جور دیگر بگوییم، زبان تنها تا جایی معنادار است که با موجودات زنده و از این رو با فرآیندهای مادی و زیست‌شناختی که زندگی این موجودات را پشتیبانی می‌کنند، پیوند خورده باشد. به این اعتبار، کاشف به عمل می‌آید که چیزی مقدم بر زبان وجود دارد که برای معنا و معرفت ارزش و ظرفیت انسانی قائل است. کریستوا درمی‌یابد که در جامعه‌ی غربی و در جهانی که از ارتباطات بصری و کلامی اشباع شده است، حس فزاینده‌ای از بی‌معنایی، شیوع افسردگی و

1. speaking subject

بی‌ثباتی پیوندهای اجتماعی سایه افکننده است. او این بحرانِ سوژکتیویته^۱ را پیامد وضعیتی می‌داند که موجب شده سازماندهی بوروکراتیک، از کردارها و تعاملات روزمره‌ی ما فردیت‌زدایی کند و این نشان می‌دهد که گفتمان‌های نهادی و سازمانی بیش از هر زمان دیگری از تجربیات زیسته‌ی ما فاصله گرفته‌اند. به نظر کریستوا در چنین جهانی روان‌کاوی و هنر از معدود ابزارهایی‌اند که به جهان نمادین امکان می‌دهند بار دیگر با تن زنده، با فرآیندهای حیاتی‌زیست‌شناختی و روانی پیوند بخورد. نظریه‌ی روان‌کاوانه ابزارهایی به دست می‌دهد تا رابطه‌ی پیچیده‌ی میان جسم و ذهن و فرد و جامعه را در قالب فرآیندِ پویای ساخت معنا ترسیم کنیم. کریستوا نشان می‌دهد که روان‌کاوی در مقام یک کردار شباهت‌های مهمی با کردارهای هنری دارد. هر دو مستلزم فرآیندهای انقلاب و بازسازی‌اند. کار روان‌کاوی و هنر به چالش کشیدن گفتمان‌های نهادی و گفتمان‌های دیگری است که از احساسات حیاتی ما فاصله گرفته‌اند و بنابراین ظرفیت ما را برای پیوند خوردن با خویش، با دیگران، و امکان‌ها یا انگیزه‌های مربوط به عاملیت تضعیف کرده‌اند. کریستوا در بدو امر به ادبیات - کردار متنی خلاقانه - نظر می‌کند تا توضیح دهد که این کردار مستلزم ایجاد پیوندی دوباره میان ابعاد نمادین و نشانه‌ای زبان است. این دو واژه‌ی کلیدی به مفهومی اشاره دارند که کریستوا آن را تحت عنوان بُعد ناهمگون زبان نظریه‌پردازی می‌کند - یعنی زبان از آن جهت که دلالت‌گر است (عملکرد ارتباطی زبان) و زبان از آن حیث که به فرآیندهای مادی و زیست‌شناختی پیوند خورده که دقیقاً در تأثر و احساس نقش دارند. در این فصل، نشان می‌دهم که چگونه این مفاهیم و مفاهیم مرتبط دیگر به ما اجازه می‌دهند انقلاب در هنر مدرنیستی را درک کنیم.

محور تفکر کریستوا مفهوم سوژه یا خود به مثابه‌ی فرآیندی زنده و همواره دگرگون‌شونده است. سوژه‌ی اندیشنده و حسی چگونه به هستی پا می‌گذارد؟ چه

چیزی از این خلاقانه‌ترین همه‌ی فرآیندها حمایت می‌کند و چگونه این پدیده با هنر و تجربه‌ی زیبایی‌شناختی پیوند می‌خورد؟ برای توضیح این مسئله، باید تصدیق کنیم که در پس زبان و معنا چیزی وجود دارد که در آن‌ها خانه کرده است. کریستوا در کتاب انقلاب در زبان شاعرانه (۱۹۸۴) به رابطه‌ی کودک و مادر پیش از تولد، و به تجربه‌ی او پیش از زبان می‌پردازد تا نشان دهد که سوژه و زبان از دل فرآیندهای مادی ظاهر می‌شوند؛ این فرآیند مادی شرط استمرار حیات سوژه است و با زبان رابطه‌ی دیالکتیکی دارد؛ حتی بعد از آن‌که کودک از مادر جدا می‌شود و قابلیت سخن گفتن را می‌پروراند، این فرآیند همچنان ادامه می‌یابد: ظرفیت تبدیل شدن به سوژه‌ی سخنگو.

امر نشانه‌ای و امر نمادین

تن مادر ظرف و آوندی ایستا نیست، بلکه در آغاز در قالب صدا و آوا و چنان‌توایی آهنگین و شاعرانه تجربه می‌شود. این مکان یا جایگاه تعاملات و تبادلات برسازنده‌ی فضایی است که کریستوا آن را «کورا»^۱ی نشانه‌ای^۱ می‌نامد؛ کورا چیزی است که نخستین برنگاشت‌های^۲ تجربه را ثبت می‌کند و نشانی آغازین از زبانی است که بعدها جای آن را می‌گیرد. کورا سامان‌بندی رانه‌های جسمانی، بارهای انرژی و علائم روانی است که کلیتی غیر-بیانی را ایجاد می‌کند، به شکل و فرم راه نمی‌دهد و با تأثراتی که بر جای می‌گذارد شناخته می‌شود. می‌توان کورا را به پویایی تنی وابسته دانست که پیوسته در سیلان است و دائماً می‌کوشد ظرفیت‌های ارگانیک زنده را به اوج برساند. کورا انباره‌ای از لرزش‌ها است - شدت‌ها، تنش‌ها و آزاد شدن آن‌ها که به واسطه‌ی تعامل با آنچه فراتر یا خارج از نظام زنده قرار دارد روی می‌دهد. عملکردهای کورا که بر کسب و تحصیل زبان تقدم دارند، بر

1. semiotic chora

2. inscriptions